شهرآرا

SHAHRARANEWS.IR

۵شنبه

سال شانزدهم
۲۹ آذر ۱۴۰۳
۱۷ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶
شماره ۴۳۸۷

Mashhadchehreh.ir

Photoshahr.ir

سایت شهرآرا نیوز را با اسکن این کد دنبال کنید

میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید میثم موسوی مهر
- سردبیر: سید سجاد طلوع هاشمی
- نشانی: خیابان کوهسنگی، ابتدای کوهسنگی ۱۵
- دفتر مرکزی: ۰۵۱-۳۷۲ ۸۸۸۸ ۱-۵
- نمابر: ۰۵۱-۳۸۴۹۰۳۸۴
- روابط عمومی: ۰۵۱ -۳۸۴۸۳۷۵۲
- شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹


چرا برق و گاز قطع می‌شود؟

دمای هوای مشهد

رطوبت هوا ۸۶٪

صبح	-۲	ظهر	۲
عصر	۰	شب	-۱

۳ ↑ -۵ ↓

اوقات شرعی مشهد

- اذان ظهر ۱۱:۲۸:۵۱
- نیمه شب شرعی ۲۲:۴۳:۲۸
- غروب آفتاب ۱۶:۱۹:۲۴
- اذان صبح فردا ۰۵:۰۸:۰۲
- اذان مغرب ۱۶:۳۹:۵۴
- طلوع آفتاب فردا ۰۶:۳۸:۵۰

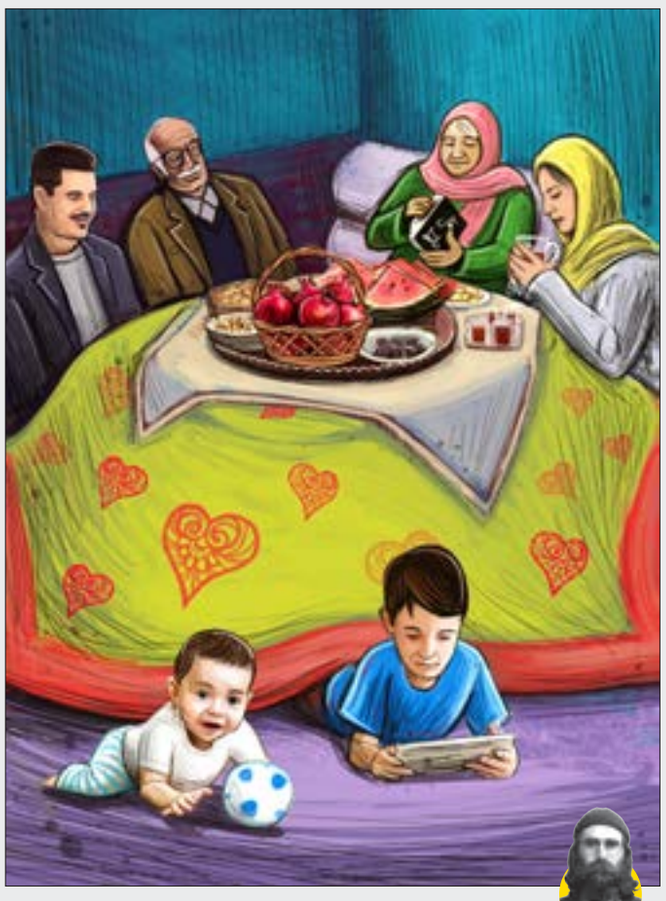
شهید

محمدمهدی ولی زاده کاخکی



تاریخ شهادت:	۱۳۶۱/۰۱/۱۲
تاریخ تولد:	۱۳۴۳/۰۹/۲۸
محل تولد:	مشهد
محل شهادت:	دشت عباس

کارتون شهر



بدون شرح...

رضا جنگی

چکامه

یلدا شب بلند غزل‌های مشرقی‌ست

یلدا شب بلند غزل‌های مشرقی‌ست
میلاد هر ترانه زیبای مشرقی‌ست

آهسته می‌رسند به مقصد ستاره‌ها
مهتاب گاهواره رؤیای مشرقی‌ست

سرما حریف قصه مادربزرگ نیست
دستش لحاف کرسی گرمای مشرقی‌ست

«ازهرچه بگذری سخن دوست خوش‌تر است»
حافظ دوای روح و مسیحای مشرقی‌ست

سیب و انار و پسته، شیرین و ترش و شور
طعم اصیل یک شب یلدای مشرقی‌ست

حالا که دوستان همه جمع‌اند دف بیار
چشم‌انتظار صد دل شیدای مشرقی‌ست

یلدا شب یکی شدن آفتاب و ماه
میلاد هر ترانه زیبای مشرقی‌ست

نغمه مستشار نظامی

اول شخص

خادمی که تیرباران شد

درباره محمدولی اسدی، نایب تولیت آستان قدس رضوی که پس از اقدامات مؤثر در مشهد، ۲۹آذر۱۳۱۴ اعدام شد



آزاده چشمه سنگی
نویسنده

اولین نائب‌التولیت

مرد پاک‌دستی بود. آوازه خدماتش به گوش رضاخان هم رسیده بود. هرجا می‌رفت، پشت سرش رد آبادانی بود. اواخر سال ۱۳۰۴ بود که رضاشاه مُهر نیابت تولیت آستان قدس را به نام محمدولی اسدی روی کاغذ حکم کوبید. سال نو شده بود که محمدولی‌خان با انبوهی از ایده‌های سازنده به مشهد برگشت. هنوز روی صندلی نیابت جاگیر نشده بود که مقدمات سفر شاه به مشهد را فراهم کرد تا او را در جریان اصلاحات اداره آستان قدس قرار دهد. مدیری به کفایت محمدولی، آرزوی هر حاکمی بود. محمدولی‌خان حتی گزینه خوبی برای استانداری خراسان بود. اوقاتی که استاندار به سفر می‌رفت یا انتخاب استاندار جدید طول می‌کشید، محمدولی‌خان می‌شد همه‌کاره استانداری. همین مسئولیت‌پذیری و عملکرد تحسین‌برانگیزش در موقعیت‌های مختلف، بالاخره کار دستش داد. یکی یکی سروکله بدخواهانش پیدا شد. از آن دهداران که با آمدن او از درآمدشان کم شده بود، تا حقوق‌بگیرانی که بعد اسدی، سفره بریزوبپاششان خالی بود. این مابین، هیچ‌کس اندازه فتحا... پاکروان، با نگاه غیظ‌آلود به محمدولی‌خان دست نمی‌داد. پاکروان از وقتی روی کرسی استانداری نشسته بود، چهارچشمی محمدولی را رصد می‌کرد. او رقیب سرسختی بود که باید در اولین فرصت از صفحه شطرنج قدرت حذف می‌شد.

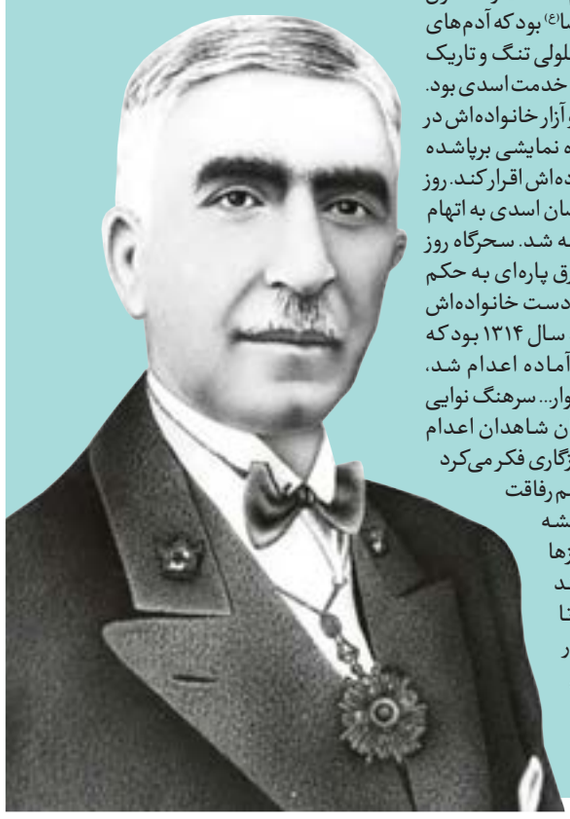
توطئه قدرت

آن ۲۱تیرماه تاریخی که خون عین پولک‌های سرخ به در و دیوار حرم می‌پاشید، دیگر کار از کار گذشته بود. نه حکم شاه اجرا شده بود نه پادرمیانی اسدی به بار نشسته بود. فقط آدم بود که مثل برگ درخت به زمین می‌افتاد و جای صدای اذان، بانگ گلوله و رگبار به گوش می‌رسید. توی این شلوغی‌ها، شیخ بهلول فراری شد و خبر رسید سمت افغانستان گریخته است. تلگراف خانه شب و روزهای شلوغی را از سر می‌گذراند. پاکروان می‌رفت و دیگر مخالفان اسدی می‌آمدند. هرکس به زعم خودش خطی به دربار می‌نوشت که بی‌تردید اسدی بهلول را فراری داده و این همه آشوب زیر سر محمدولی‌خان است. آمار سربازان مجروح یا کشته شده را می‌گذاشتند روی دوش اسدی و می‌رساندند خدمت شاه. هرکس کینه‌ای از اسدی به دل داشت آمده بود وسط. شاه، متحیر از گزارش‌های عجیب و غریبی که می‌رسید، محمدرفیع نوایی را چند ماه قبل به‌عنوان رئیس شهربانی فرستاده بود مشهد تا ببیند اوضاع از چه قرار است. نوایی اما از راه نرسیده، رفته بود توی تیم پاکروان. گزارش‌های مکتوب نوایی هم خبر از فتنه‌های ناکرده اسدی داشت. می‌گفت اسدی روستاییان بلوک فریمان را تهییج کرده با چوب و چماق خود را به متحصنان برسانند. خودش هم با فراری دادن بهلول، آتش به دامن غائله انداخته. چیزی که بعدها از سوی بهلول تکذیب شد. پرونده اتهامات اسدی سنگین و سنگین‌تر می‌شد. اوایل آذر ۱۳۱۴ بود که کت بسته او را به زندان مشهد انداختند و پاییز به آخر نرسیده، دادگاه نظامی برپا شد.

به سان حسنک

این آخری‌ها سرهنگ نوایی خودش هم باورش شده بود اسدی مجرم است. می‌گفت او نه فقط عامل قیام گوهرشاد است که اصلا از اساس قصد براندازی سلطنت و تشکیل حکومت جدید را دارد. اسدی حین انجام خدمت و مشغول بازدید از بیمارستان امام رضا(ع) بود که آدم‌های شهربانی آمدند و او را به سلولی تنگ و تاریک انداختند. این آخرین لحظه خدمت اسدی بود. حالا بعد از هفته‌ها حبس و آزار خانواده‌اش در بیرون از زندان، یک دادگاه نمایشی برپاشده بود تا در آن به کارهای نکرده‌اش اقرار کند. روز بیست‌وسوم ماه مبارک رمضان اسدی به اتهام قیام علیه سلطنت محاکمه شد. سحرگاه روز بعد، اسدی مانده بود و ورق پاره‌ای به حکم وصیت که امید داشت به دست خانواده‌اش برسد اما نرسید. ۲۹ آذرماه سال ۱۳۱۴ بود که اسدی بی‌هیچ مقاومتی آماده اعدام شد، به‌سان حسنک، آزاده و استوار... سرهنگ نوایی با چشم‌هایی تنگ در میان شاهدان اعدام ایستاده بود و داشت به روزگاری فکر می‌کرد که دست‌های اسدی را به رسم رفاقت می‌فشرد، اما در سرش نقشه حذفش را می‌کشید. سربازها همگی به صف شده بودند و وقتی مأموری جلو رفت تا چشمانش را ببندد، زیر بار نرفت. درعوض مهر عقیقش را که نام و امضایش بود، انداخت زیر پا و شکست تا بدتر مورد سوءاستفاده قرار نگیرد. آن آخرین تصویری که از پیش چشم اسدی می‌گذشت، گنبد طلای امام رضا(ع) بود و آن چند قطره اشک پایانی که احتمالا به چشمانش نشست بی‌شک از اندوه خدمتی بود که حالا به آخر رسیده بود. او هرچه کرده بود در جهت مصالح بارگاه رضوی بود و حالا بی‌رحمانه مجازات می‌شد. چند ثانیه بعد، اسدی با پیکری بی‌جان به زمین افتاد و جنازه‌اش در قبرستان پایین خیابان دفن شد اما هشت سال بعد، فرزندان اسدی آن قدر آمدند و رفتند و دنباله پرونده مختومه پدر را گرفتند تا بالاخره اثبات شد، خونی که به زمین چکیده بود، ناحق بود. نوایی را به دادگاه کشاندند و بعد یکی یکی نوبت به رئیس زندان شهربانی و رئیس تشریفات آستانه رسید. نوایی محکوم به اعدام شد، اما به علت سن بالا، حکمش به حبس تغییر کرد. باقی عاملان اعدام بازداشت شدند و دست آخر جنازه پدر از گورستان پایین خیابان به آرامستان امام هشتم(ع) در صحن حرم منتقل و این بار با عزت و احترام به خاک سپرده شد.

منابع: روزنامه شهرآرا/ وبگاه موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی/ مقاله‌ای با عنوان «خوانش دومتن ناهم‌زمان (تحلیلی ذوقی از ماجرای اعدام حسنک وزیر و محمدولی اسدی به قلم علی مهربخش از پایگاه مجلات تخصصی نور)





خیابان کوهسنگی که به همت اسدی در مشهد ساخته شد



حضور محمد ولی اسدی در مراسم کلنگ زنی در آرامگاه فردوسی

شخم هفته

کوتاه‌ترین توصیه‌ها برای بلندترین شب



مهدی محمدی
طنزپرداز

اگر آمادگی مهمان شب یلدا را نداشتید، ولی با حضور سرزده او مواجه شدید، اصلا نگران نشوید. بگویید چون عربستان و قطر و کویت امشب را شب یلدا اعلام کردند، من فکر کردم تازه فرداشب، یلدای ایران خواهد بود.

در شب یلدا گوشی‌ها را کنار بگذارید، با خیال راحت کنار خانواده باشید. به خاطر خودتان می‌گوییم، هرچند شاید این‌طوری، سرعت اینترنت ما هم بهتر شد.

اگر امسال جای آجیل‌های شب یلدا را نتوانستید پیدا کنید، به قوه تجسس خود شک نکنید. شاید امسال خانواده نتوانسته است کلا آجیل بخرد. اگر آجیل شب یلدایتان، پسته اندکی دارد یا اصلا پسته ندارد، نگران نباشید، هرکس آمد بگویید آجیل پرپسته بوده، مهمان قبلی آن‌ها را خورده است.



اوضاع اینترنت این‌قدر وحشتناک است که پدربزرگ‌ها شاید به جای اینکه شما را دعوت به کنارگذاشتن گوشی کنند، گوشی خودشان را هم بیاورند تا برایشان فیلترشکن نصب کنید؛ البته قضیه (شب یلدا گوشیاتونو بی‌خیال بشید دور هم باشید) تمام شده است. با این تورم، به صرفه‌تر آن است که بگویند دورهمی‌ها را بی‌خیال شوید، توی گوشی‌هایتان باشید. اصلا کسانی که می‌گویند گوشی را کنار بگذارید و کنار کسانی که دوستشان دارید باشید، به این فکر کرده‌اند اگر آن‌ها که دوستشان داریم، خودشان توی گوشی بودند، چه کنیم؟

تهیه هندوانه قرمز شب یلدا زیاد سخت نیست، معمولا هر چه هندوانه بزرگ‌تر باشد، احتمال قرمز بودن آن بیشتر است. نگران گران‌تر بودن هندوانه سنگین‌تر هم نباشید. فقط باید بتوانید با آن هندوانه سنگین از مغازه میوه‌فروشی فرار کنید.

یلدا هم یک نوع پاسداشت آیین‌های قدیمی است. اما مهم‌ترین چیز سنتی که باید به آن توجه کرد، ضرب‌المثل قدیمی (کاه از خودت نیست، کاهدون که از خودته) است. اگر به احتمال هزار میلیاردم، آجیل شب یلدایتان زیاد آمد، اصلا ناراحت نشوید که چرا این‌قدر زیاد هزینه کردید. می‌پرسید چرا؟ چون دم عید با خودتان می‌گویید کاش همون شب یلدا که آجیل دویست سیصد هزار تومن ارزون‌تر بود، بیشتر می‌خریدم.

عکس روز

چله شب‌ها

پاییز که بساط آخرش را جمع می‌کند، جایش را می‌دهد به قامت سپید زمستان؛ شب یلدا نیز سرآغاز روشنایی می‌شود و بهانه دورهمی و جشن برای خانواده‌های ایرانی و هرکسی به‌اندازه بضاعتش انار می‌چیند، پسته می‌شکند و سفره پهن می‌کند.

عکس: محمدحسن صلواتی / شهرآرا

